

کاربرد پدیده‌های پیرامونی و آموزش تاریخ

دکتر عبدالرسول خیراندیش

این حال باید توجه داشت که برای مورخ نه امور عینی دارای ارزش ذاتی هستند و نه امور ذهنی. بلکه هر پدیده‌ی تاریخی، در صورت توجه جدی انسان به آن، می‌تواند گویای واقعیتی باشد که حاصل به هم رسیدن عین و ذهن است. بر این اساس، هر آنچه که پیرامون ما قرار دارد می‌تواند برای انسان صاحب‌نظر، اهل هوش و دقت نظر، بهانه‌ای برای تفکر و اندیشه به شمار آید. به قول سعدی:

برگ درختان سبز در نظر هوشیار

هر ورقش دفتری است معرفت کردگار

باز بر همین اساس، می‌دانیم میلیون‌ها انسان، سقوط سیب از درخت را دیدند ولی بدان توجه نکردند، اما نوجوان هوشمندی به نام نیوتون از آن وجود قانون جاذبه عمومی را دریافت کرد؛ که در این زمینه می‌توان مثال‌های فراوان دیگری عرضه کرد. می‌بینیم که با بذل توجه به امور و پدیده‌ها، همه چیز را می‌توان به عرصه‌ی تحقیق و شناسایی درآورد و از آن بهره برد و آن را ارزشمند یافت. از جمله‌ی این امور «پدیده‌های پیرامونی» یا «پدیده‌های محیطی» است که می‌تواند مورد توجه معلم و دانش‌آموز در درس تاریخ و یا مورخ و محقق قرار گیرد.

به‌نحوی نه چندان صحیح برای ما عادت شده است که مطالب تاریخی را فقط از خلال اسناد و کتاب‌ها یا با مشاهده‌ی آثار باستانی و موزه‌ها سراغ بگیریم. در عین حال با این اشکال مواجه هستیم که می‌گویند تاریخ به مطالبی می‌پردازد که مربوط به زمان‌های مرده و گذشته‌های فراموش شده است و لذا چندان رابطه‌ای با زندگی کنونی ندارد؛ پس از آن سودی حاصل نمی‌شود. برای تصحیح این نگاه غلط به تاریخ و جاذب و مفید مطرح ساختن آن می‌توان گفت، همه‌ی پدیده‌های پیرامونی ما، از هر جنس و نوع، اعم از مادی و معنوی و در هر زمان و مکان، می‌تواند کارایی داشته باشد. در هر جایی به احتمال بسیار

برای ما چنین عادت شده که همواره آنچه را که مهم، جالب، قدیمی، باشکوه، مربوط به انسان‌های بزرگ، از جنس عالی و امثال آن است جزو پدیده‌های تاریخی، اعم از مادی و معنوی، به حساب می‌آوریم. چنین عادت و باوری البته بی‌علت نیست؛ از آن رو که تاریخ همواره با امور مهم، ارزشمند و در همان حال جالب توجه و سودمند به حال بشر سروکار داشته است. اما غالباً پیش می‌آید که بسیاری از امور کمتر مهم و جالب توجه، به‌راحتی، صورت و شکلی مشخص (قالبی) به خود می‌گیرند و تحت تأثیر این شکل‌گرایی، و در واقع ظاهربینی، بسیاری از امور واقعاً «مهم» و «جالب توجه» به دست فراموشی سپرده می‌شوند. از این رو برای مورخ ضرورت دارد مفهوم و مصداق «مهم» و «جالب توجه» همواره مورد ارزیابی و بازبینی قرار گیرد.

این که در آغاز این نوشته بر دو مفهوم «مهم» و «جالب توجه بودن» به عنوان عناصر شکل‌دهنده‌ی تاریخ تأکید تمام دارم از آن روست که امور مهمی که قابلیت و ارزش ورود به تاریخ‌نگاری را می‌یابند، اموری بیرونی هستند؛ یعنی آن امر، یا رخدادی بوده است، یا فرمانی و سخنی و یا اثری به صورت معماری و هنر و صنعت. اهل دانش چنین پدیده‌هایی را پدیده‌ی عینی (Objective) می‌نامند؛ بدان معنا که مشهود، واقعی و بیرونی هستند. اخبار و آثار تاریخی که به درستی در همه‌جا معروف و مشهور هستند از این نوع به‌شمار می‌آیند.

اما منظور از «جالب توجه» هر امری است که ذهن را به خود معطوف می‌سازد و اندیشه‌ی انسانی را مشغول می‌گرداند. اهل دانش به چنین اموری صفت ذهنی (Subjective) اطلاق می‌کنند که به معنای متعلق به ذهن یا ذهنی است.

با این مقدمه، می‌گوییم هر آنچه که بخواهد در کانون توجه، تفکر و تحقیق انسان قرار گیرد، باید جامع امور عینی و ذهنی، هر دو، باشد؛ که مباحث تاریخی نیز از این نوع هستند. با

پدیده‌ای وجود دارد که می‌تواند برای ما گویای یک واقعه، یک شخصیت یا یک زمان تاریخی باشد. تاریخچه‌ی مدرسه‌ای که در آن درس می‌دهیم، نام شهیدی که بر کوچه یا خیابانی گذاشته شده است، نام یک میدان، مناسبت طرح شده در تقویم، که به احتمال موجب تعطیلی مدرسه می‌شود؛ اعم از آن‌که عید باشد یا عزاء، وسایل گوناگونی که از آن استفاده می‌کنیم، مانند وسایل روشنایی، وسایل سرمازا و گرمازا، وسایل نقلیه، لباس، خوراک، لوازم نوشتن و هر چیز دیگری. همه و همه می‌توانند پدیده‌هایی تاریخی تلقی شوند. چه دلیلی وجود دارد که باید فقط مسائل مربوط به چند هزار سال یا چند صد سال و حتی چند دهه پیش را جزو تاریخ بدانیم؟

بسیاری از پدیده‌های پیرامون ما اعم از آثار، اشیاء، حتی آداب و رسوم و عادات و کلمات و رفتار، ریشه در تاریخ دارند؛ نوروژ، عاشورا، پوشیدن کت و شلوار، خوردن چای، استفاده از کامپیوتر و... حال این تاریخ می‌تواند دو هزار سال، هزار سال، صد سال یا ده سال قبل باشد. مهم آن است که بتوانیم در ورای هر پدیده‌ای «استمرار تاریخی» یا «تحول تاریخی» را سراغ بگیریم و آن را شناسایی کنیم. از خلال این پدیده‌هاست که می‌توان پویایی اجتماعی و تکامل تمدنی را شناسایی کرد. نکته‌ی مهم‌تر آن‌که هر پدیده‌ی بیرونی، یا ریشه در تاریخ دارد و تاریخی است، یا آن‌که می‌تواند مبدل به یک پدیده‌ی تاریخی شود. این «می‌تواند» را، تا حدود زیادی باید با یقین بیان کرد. زیرا تاریخی شدن پدیده‌های کنونی، بستگی به توجه و تلاش ما دارد. آیا آن‌چه که امروز رخ می‌دهد نمی‌تواند در فردای زندگی انسانی مبدل به یک مبحث تاریخی گردد و در کتاب‌های تاریخی گنجانده شود؟ به عنوان مثال، مشکلات محیط زیست و گرم شدن کره‌ی زمین و بحران غذا و آب و... که همه‌ی ما به‌طور روزمره با آن‌ها سروکار داریم تاریخ‌ساز نیستند و در آینده بیش از پیش مورد توجه قرار نخواهند گرفت. مگر جز آن است که در هر خانه‌ای روزانه مقداری زباله تولید می‌شود و هر ماشینی مقداری گازهای آلوده‌کننده از خود بیرون می‌دهد و هر کشاورزی از سموم دفع آفت استفاده می‌نماید و هر شخصی از مقداری آب و انرژی بهره می‌برد؟ چنین مسائلی مربوط به همه انسان‌هاست و ما هر روز به‌طور عادی و بدون هیچ توجه خاصی از جمله «نگاه تاریخی» با آن‌ها سروکار داریم. آیا چنین پدیده‌هایی از امروز تا آینده‌ی تاریخ

مبدل به مباحثی تاریخی نخواهند شد؟ هم‌اکنون دانشمندان از مطالعه بر روی یخ‌های قطب شمال، عناصر لازم برای شناخت آب و هوای عصر یخبندان در یک میلیون سال پیش را کشف می‌کنند؛ یا از نور ستاره‌ای که به زمین می‌رسد تاریخ پیدایش آن در چند میلیارد سال پیش را محاسبه می‌نمایند. این همه نشان می‌دهد که لازم است نگاه رایج را که فقط آثار باستانی و موزه‌ها و مطالب کتب تاریخی را، تاریخ می‌داند عوض کرد. پس همه چیز می‌تواند تاریخی باشد و مورد توجه مورخ و معلم تاریخ و دانش‌آموز و دانشجوی درس تاریخ باشد؛ به شرط آن‌که فرد وسعت و دقت نظر داشته، موشکاف باشد و آینده‌نگر.

چنین نگاهی به پدیده‌های پیرامونی، از یک سو ما را نه فقط «تاریخ‌نگر» می‌سازد بلکه به ما یاد می‌دهد که «تاریخ‌ساز» هم باشیم. این بدان معناست که باید بدانیم هر آن‌چه که انجام می‌دهیم، هر چند به نظر کم‌اهمیت بیاید، می‌تواند در تاریخ بماند و مبدل به پدیده‌ای تاریخی شود. تاریخ فقط در موزه‌ها و گنجینه‌های بزرگ پراوازه، که با هزینه‌های گزاف از آن‌ها حفاظت می‌شود، نیست. دانش کنونی، تاریخ را در متن زندگی و همپای عرصه‌های فعال تلاش و کوشش فکری، اقتصادی، تکنیکی و اجتماعی بشر می‌داند. از این روست که در سال‌های قرن بیستم، تاریخ‌نگاری آنالیز (analyse) پدید آمده است. این نوع تاریخ‌نگاری، حتی مسائلی که ظاهر کم‌ارزش و کم‌اهمیت مانند تاریخ نمک، تاریخ شکر، تاریخ چای و... را نیز به عرصه‌ی تاریخ‌نگاری کشانده است. بدین ترتیب تاریخ و تاریخ‌نگاری در خانه، در مدرسه، در کوچه، در خیابان، در زمین ورزش، در مسجد، در بازار و در دست و ذهن و زبان و رفتار و کردار همه‌ی ماست. منتها باید دقت داشت و آن را پیدا کرد و مورد مطالعه قرار داد. آیا بدین ترتیب تاریخ به متن زندگی باز نمی‌گردد و درس تاریخ صورتی زنده نمی‌یابد؟ آیا بدین ترتیب، ما درک بهتری از میراث فرهنگی پیدا نخواهیم کرد؟ زیرا بسیاری از پدیده‌های پیرامون ما، یا جزو میراث فرهنگی هستند یا روزی میراث فرهنگی خواهند شد. چنان‌که امروزه در شهری مانند لندن صندوق پستی، باجه‌ی تلفن، تاکسی و اتوبوس جزو میراث فرهنگی و هویت‌بخش مردم انگلستان تلقی شده‌اند و حتی یک میدان که در آن فقط گل و درخت دیده می‌شود هم یک پدیده‌ی تاریخی به حساب می‌آید. ●